بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 15 فروردین 1396.

امروز من خیلی خسته بودم می خواهم یک بحث غیر بحث سابق کنم یک مقداری می خواهم در مورد نوروز صحبت کنم. ذهنم را نتوانستم در مورد بحث فقهی خودمان جمع کنم. در مورد نوروز خب در کلمات فقها به تناسب اغسال مستحب صحبتی از غسل روز نوروز شده است. مثلا جامع للشرایع صفحه 33، تحریر الاحکام جلد 1 صفحه 88، قواعد الاحکام جلد 1 صفحه 178، منتهی المطلب جلد 2 صفحه 472، نهایه الاحکام جلد 1 صفحه 177، دروس جلد 1 صفحه 87، اینها استحباب غسل روز نوروز را ذکر کرده اند. دروس شهید اول اولین کسی است تا جایی که من نگاه کردم مستند را هم ذکر کرده است. می گوید النوروز لخبر معلی.

در ذکری الشیعه مرحوم شهید اول جلد 1 صفحه 199 یک مقداری این را مفصل تر مطرح کرده است.

النوروز الفرس رواه المعلی بن خنیث عن الصادق علیه السلام

و یک ان قلتی هم فی الجمله مطرح کرده است

و فی المعلی قولٌ مع عدم اشتهاره

یعنی عدم اشتهار روایت

و فصّل باول سند الفرس

تا یک بحثی در مورد اینکه مراد از نوروز چیست آن مطلب را هم مطرح کرده است. بعد از ایشان بحث مفصلی در مورد نوروز در مهذّب البارع مرحوم ابن فهد کرده است. مهذّب البارع جلد 1 صفحه 191 می گوید

و مستنده روایت معلی بن خنیث و ذکره الشیخ فی مختصر المصباح

شیخ طوسی در مختصر مصباح این مطلب را آورده است. مرحوم شیخ حر عاملی این را از مصباح نقل می کند در خود مصباح المتهجّد من این مطلب را ندیدم. در مختصر المصباح هست هم روایت معلی بن خنیث شیخ طوسی یک تلخیصی از مصباح المتهجد دارد که به مصباح صغیر یا مختصر المصباح معروف است و اضافاتی هم احیانا در این مختصر المصباح هست. که اخیرا هم چاپ شده است مصباح صغیر خب در آنجا این روایت هست و در بعد از مهذّب البارع در چیزهای متأخر هم مفصل این مطلب وارد شده است. در مورد نوروز چند مرحله بحث هست یک بحث، بحث صغروی هست که اصلا نوروز چه روزی است. خب یک بحث خیلی مبسوطی که اولین بار در سرائر این مطرح شده است. جلد 1 صفحه 315. مفصّل آن در مهذّب البارع جلد 1 صفحه 191 که عرض کردم خیلی مفصل این بحث را دارد و مسائل ابن طی صفحه 47 اینها در کتب فقهای ما در مورد نوروز که مراد چه تاریخی است صحبت شده است. خیلی نمی خواهم به آن بپردازم. اما اینکه اصلا دیدگاه اسلام نسبت به نوروز چه هست ما سه دسته روایات داریم. و دو دسته از این روایات از جهت سندی معتبر نیستند دسته سوم ممکن است کسی از جهت سندی بعضی از روایاتش را یک جوری تصحیح کند. دسته اول روایاتی که نوروز را مدح می کند که روایت معلی بن خنیث است حالا یک روایت هست یا چند روایت است این روایت معلی بن خنیث اولین بار در مختصر مصباح تکه ای از آن آمده است و مفصلش در مهذب البارع ابن فهد وارد شده است. مرحوم مجلسی در بحار جلد 59 صفحه 91 این روایت را نقل می کنند فی بعض الکتب المعتبره روی فضل بن علی بن به اسم مرحوم سید فضل الله راوندی را می برد و از طریق سید فضل الله راوندی یک روایتی را با سند ذکر می کند. که در آن خیلی تعبیرات خاصی هست.

إنّ يوم النوروز، هو اليوم الّذي أخذ فيه النّبي (صلّى اللّه عليه و آله) لأمير المؤمنين (عليه السلام) العهد بغدير خم، فأقرّوا له بالولاية، فطوبى لمن ثبت عليها و الويل لمن نكثها،

یا در همان روایت هست

و ما من يوم نوروز إلّا و نحن نتوقّع فيه الفرج، لأنه من أيّامنا حفظه الفرس و ضيّعتموه.

یک روایت خیلی مفصلی است حالا من دو قطعه اش را اینجا یادداشت کردم. در این روایت خب یک بحث سندی هست که از جهت سندی مرسل هست بعضی از قطعاتش آن هم که مسند و سندی برای آن در بحار نقل کرده است از جهت سندی سند معتبری ندارد. در این چیزهایی که نقل شیخ در مختصر المصباح هم این ممکن است به جهت تسامح در ادله سنن باشد نه اینکه این را به اعتبار روایت برایش ثابت شده باشد. خب این یک مرحله. بحث های متنی در مورد این روایت هم هست که آیا می شود نوروز را با غدیر تطبیق کرد یا خیر. من از بعضی ها شنیده ام

مرحوم ابن فهد در مهذب البارع می گوید که نوروز 19 ذی حجه است. در آن سال 19 ذی حجه بوده است ولی زودتر در آن سال رؤیت شده است تقویمی 19 ذی حجه است ولی یک روز زودتر رؤیت شده است و 18 ذی حجه بوده است.حالا بعضیها می خواهند بگویند که روز عید غدیر 27، 28 اسفند می شود. و سه روز کأنه بیعت می گرفتند به امامت حضرت امیر روز نوروز هم به آن تطبیق می شود. حالا اصل اینکه نوروز می گرفتند یا خیر خیلی روشن نیست آن روایتش روایت معتبری از جهت سندی نیست. ولی علی أیّ تقدیر ظاهرا از جهت تقویمی 18 ذی حجه سال دهم نزدیک های نوروز است. حدود 28 است. این جوری که تقویم های تطبیقی نشان می دهد نزدیک است. ولی خب عرض کردم از جهت سندی این روایت چندان روایت معتبری نیست. یک روایت دیگری هست عرض کردم عمده روایت، روایت معلی بن خنیث است ولی غیر از روایت محمد بن خنیث هم

حالا یک نکته ای عرض کنم، مرحوم مجلسی در زاد المعاد صفحه 326 در مورد روایت معلی بن خنیث فرموده است فروی باسانید معتبر المعلی بن خنیث. من متوجه نشدم مراد از این اسانید معتبره چیست چون این روایت اسانید متعدد ندارد. یک سند دارد که آن سند معتبر نیست و بقیه اش هم مرسلات است. اسانید معتبره به چه اعتباری است یا یک جای دیگری

یک روایت دیگری در مورد نوروز هست که روایت مفضّل هست. که در هدایه کبری خصیبی وارد شده است. ماجرای حزقیل را که در ضمن یک داستان مفصل ذکر می کند می گوید

هذا یوم شریف عظیم القدر و قد آلیت به ان لا یسألنی مؤمن حاجهً الا قضیتها له و لا یوم نیروز

هدایه کبری صفحه 420 که آن هم، هم خود مؤلف هدایه کبری خیلی شرایط خاصی ندارد و سند هم مرسل هست و حالا مفضّل را تصحیح کنیم یا نکنیم ان بحث هایی دارد. البته معلی بن خنیث هم این نکته را عرض کنم که مرحوم شهید اول که می گوید و فی معلّی قولٌ، قول صحیح در مورد معلی این است که معلی ثقه هست. بحثی در مورد خود معلی نیست. مرحوم آقای خویی هم در ذیل ترجمه معلی بن خنیث اشاره می کنند که روایت هایی که در مدح معلی بن خنیث واردشده است روایت های زیادی هست و بعضی هایشان همم عتبر است. بحث سر خود معلی نیست بحث سر ارسال روایت و عدم صحت سند به معلی است. خب این یک روایت. یک روایت دیگری از آن طرف هست. در مناقب ابن شهر آشوب وارد شده است که آن هم البته مرسل است. متن روایت این است در مناقب ابن شهر آشوب جلد 4 صفحه 318 این هست

حُكِيَ أَنَّ الْمَنْصُورَ تَقَدَّمَ إِلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع بِالْجُلُوسِ لِلتَّهْنِئَةِ فِي يَوْمِ النَّيْرُوزِ وَ قَبْضِ مَا يُحْمَلُ إِلَيْهِ فَقَالَ ع إِنِّي قَدْ فَتَّشْتُ الْأَخْبَارَ عَن جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمْ أَجِدْ لِهَذَا الْعِيدِ خَبَراً وَ أَنَّهُ سُنَّةٌ لِلْفُرْسِ وَ مَحَاهَا الْإِسْلَامُ وَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نُحْيِيَ مَا مَحَاهُ الْإِسْلَامُ فَقَالَ الْمَنْصُورُ إِنَّمَا نَفْعَلُ هَذَا سِيَاسَةً لِلْجُنْدِ فَسَأَلْتُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ إِلَّا جَلَسْتَ فَجَلَسَ وَ دَخَلَتْ عَلَيْهِ الْمُلُوكُ وَ الْأُمَرَاءُ وَ الْأَجْنَادُ يُهَنِّئُونَهُ وَ يَحْمِلُونَ إِلَيْهِ الْهَدَايَا وَ التُّحَفَ

روایت مفصلی هست که نقل کرده است. خب این هم روایت مرسلی هست که نقل شده است. خب این هم دو دسته روایات. اینجا یک بحثی در مورد بحث اصولی جدی هست که جایی که دو دسته روایات وارد شده است. یک دسته یک عملی را مستحب دانسته است و یک دسته ای آن عمل را مکروه یا حرام دانسته است. آیا اینجا احادیث من بلغ شامل این روایات می شود یا خیر؟ مرحوم شیخ در رساله تسامح در ادله سنن این فرع را مطرح کرده است. یک بحثی هست که آیا اینها شامل می شود یا خیر داخل در آن بحث است که ما از جهت اصولی بگوییم اینها را می گیرد یا نمی گیرد و امثال اینها. خب اینها هم دو دسته روایات. دسته سوم روایات، روایاتی هست که در واقع ناظر به بعضی از سنن موجود در نوروز است. روایت هایی که به سنت های موجود در نوروز ناظر است. یکی از آن روایات، روایاتی هست که در کتب کافی و فقیه و تهذیب در هر سه این روایت وارد شده است. آن روایت با سند صحیح از ابن محبوب از ابراهیم کرخی نقل شده است قال سألت ابا عبد الله علیه السلام که حالا روایت را می خوانم. سند این روایت تا ابراهیم کرخی معتبر است. حالا ابراهیم کرخی را می شود تصحیح کرد یا خیر یک بحثی دارد که میزان روایت های ابن محبوب از او در حدی هست که اطمینان به اعتبارش ایجاد کند یا خیر یک کمی حالت های مرزی دارد. این گونه نیست که آدم هم مطمئن باشد که حتما بشود ابراهیم کرخی را تصحیح کرد دیگر حالا یک قدری آن رقم 13 که آن موقع می گفتیم همان حدود ها هست. نمی دانم حالا نحوست 13 این ابراهیم کرخی را می گیرد یا خیر!

بحث های حول و حوش همین ابراهیم کرخی می گردد از جهت سندی. اما از جهت متنی متنش این است

عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ لَهُ الضَّيْعَةُ الْكَبِيرَةُ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْمِهْرَجَانِ أَوِ النَّيْرُوزِ

یوم مهرجان که همان مهرگان است جشن مهرگان 16 مهرماه بوده است. در چیز قدیم هر روز از روزهای ماه شمسی یک اسمی داشته است. مثلا سیروز که هست روز اول یک اسم بوده است روز دوم یک اسم بوده است و روز سوم یک اسمی. روز شانزدهم هر ماه اسمش مهر است. شانزدهم مهر که هم روزش مهر است و هم ماهش مهر است به جهت تناسب دو تا مهر این را جشن مهرگان می گرفتند که بعد از جشن نوروز، دومین جشن مهم فارس ها بوده است.

أَهْدَوْا إِلَيْهِ الشَّيْ‌ءَ لَيْسَ هُوَ عَلَيْهِمْ يَتَقَرَّبُونَ بِذَلِكَ إِلَيْهِ فَقَالَ أَ لَيْسَ هُمْ مُصَلِّينَ

آنها مسلمان هستند دیگر نماز می خوانند دیگر؟

قُلْتُ بَلَى قَالَ فَلْيَقْبَلْ هَدِيَّتَهُمْ وَ لْيُكَافِهِمْ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لَوْ أُهْدِيَ إِلَيَّ كُرَاعٌ لَقَبِلْتُ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّ كَافِراً أَوْ مُنَافِقاً أَهْدَى إِلَيَّ وَسْقاً

وسق 300 صاع هست. اگر اشتباه نکنم که حجم زیادی هست. حدود 1200 کیلو می شود. یک حجم وسیعی است

مَا قَبِلْتُ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ أَبَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِي زَبْدَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ طَعَامَهُمْ‌

کافی جلد 5 صفحه 141 حدیث 2. فقیه جلد 3 صفحه 300 حدیث 4078. تهذیب جلد 6 صفحه 378 حدیث 1108 و 229. البته ذیلش اینکه کافر و منافق قبول هدیه اش آیا روایات دیگری بر خلافش هم هست که پیغمبر هدیه کسری و پادشاهان را قبول کرده اند و امثال اینها را چطور جمع میکنیم ازبحث ما خارج است. علی أی تقدیر این از آن استفاده می شود که اگر به مناسبت جشن نوروز روز نوروز روز مهرگان، هدیه ای داده شود قبول هدیه مستحب است و مستحب است که پاسخ هم داده شود کسی که هدیه می دهد انسان هدیه اش را پاسخ هم بدهد. خب این یک روایت. یک روایت دیگر معروفی هست که این روایت در منابع شیعه و سنی بسیار معروف است. روایتی که به حضرت امیر المؤمنین روز عید نوروز یا بنا بر نقل دیگر روز مهرگان هدیه ای آورده اند فالوذج. فالوذج یک نوع حلوای خاصی بوده است. در بعضی از نقل هایش به جای کلمه فالوذج کلمه حلوا آورده شده است. یک حلوای خاصی بوده است که احتمالا فقط روز نوروز می پختند. نمی دانم به هر حال یک حلوایی بوده است فالوذج حضرت این را قبول می کنند ولی یک تعبیری دارند حضرت می فرمایند که هر روز برای ما نوروز باشد فنیرزوا ان قدرتم کل یومٍ. که به تعبیر مرحوم مجلسی اول در روضه المتقین حضرت یک نوع مزاح و شوخی ای خواسته اند بکنند با این جمله. من یک موقعی داشتم فکر می کردم که کسانی که طنز چیز می کنند یکی از زمینه های طنز همین تاریخ است یک نوع طنز لطیفی هست و خب حضرت امیر برخورد های طنز آمیز از او زیاد نقل شده است که حتی معاویه حضرت امیر را نقد می کردند که چرا نگاه طنز آمیز دارد فیه دعاوه و امثال اینها. عبارت این است حالا من بعضی از نقل های این را می خوانم در دعائم الاسلام اینگونه دارد، عنه یعنی عن علی علیه السلام

وَ عَنْهُ ص أَنَّهُ أُهْدِيَ إِلَيْهِ فَالُوذَجٌ فَقَالَ مَا هَذَا قَالُوا يَوْمُ نَيْرُوزٍ قَالَ فَنَيْرِزُوا إِنْ قَدَرْتُمْ كُلَّ يَوْمٍ يَعْنِي تَهَادَوْا وَ تَوَاصَلُوا فِي اللَّهِ

یعنی هدیه به هم بدهید و اصل تواصل هم یعنی با هدیه دادن به هم دیگر به هم نزدیک شوید. یک نکته ای عرض کنم کلمه صله رحم که ما ترجمه می کنیم به معنای دید و بازدید ترجمه درستی نیست. صله رحم شاید نزدیکترین واژه در ترجمه صله رحم رسیدگی به خویشاوند است. روشن ترین مصداق صله رحم کمک مالی به خویشاوند محتاج است. و دید و بازدید یکی از مصادیق رسیدگی به خویشاوند است. و الا صله رحم به معنای اصلا دید و بازدید نیست. معنای مترادفش. حالا اگر در جایی در خود صله رحم زمینه ایزاق طرف را فراهم کند اصلا صله رحم نیست. صله رحم یعنی رسیدگی به خویشاوند. این را ببینید در نهایه ابن اسیر در ذیل صله رحم توضیح خیلی خوبی در ترجمه صله رحم ابن اسیر در نهایه داده است. متأسفانه دیدم که آقای طاهری خرم آبادی صله رحم را به معنای دید و بازدید گرفته است و کل رساله ای که در صله رحم نوشته است در حول و هوش این بحث هست اما معنای صله رحم دید و بازدید نیست. خب این تواصل همین صله ای که الآن مرسول هست که فلانی صله داد. چون اصل صله یعنی رسیدگی و مثال روشن رسیدگی این است که یک پولی به طرف بدهند که گاهی اوقات ما می گوییم که به فلانی رسیدگی کرد یعنی به او پول داد. دقیقا همین رسیدگی شاید نزدیکترین واژه باشد که از جهت ترجمه لفظ به لفظ هم که با رسیدن یکی است نزدیک است.

أُتِيَ عَلِيٌّ ع بِهَدِيَّةِ النَّيْرُوزِ فَقَالَ ع مَا هَذَا قَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْيَوْمُ النَّيْرُوزُ فَقَالَ ع اصْنَعُوا لَنَا كُلَّ يَوْمٍ نَيْرُوزاً‌

وَ رُوِيَ أَنَّهُ قَالَ ع نَيْرُوزُنَا كُلُّ يَوْمٍ

التبته نیروزنا در فقیه نقل کرده است ولی در نقل های عامه نَیرزونا کل یوم گاهی اوقات نقل شده است. فقیه جلد 3 صفحه 300 حدیث 4073 و 4074.

در اینکه حالا این چه کسی بوده است که این

در مجمع البحرین با این تعبیر دارد

في الخبر" قدم إلى علي ع شي‌ء من الحلاوى فسأل عنه؟ فقالوا: للنيروز. فقال: نيرزونا كل يوم".

در مجمع البحرین جلد 4 صفحه 38 هست. در تاج العروس هم این مطلب هست جلد 8 صفحه 157. حالا اینکه این شخص کیست در ترجمه جد ابو حنیفه، ابو حنیفه نعمان بن ثابت بن نعمان است. گفته اند که این جد ابو حنیفه نعمان بوده است که در تاریخ بغداد هست که النعمان بن مرزبان ابو ثابت هو الذی اهدی لعلی بن ابی طالب رضی الله عنه الفالوذج فقار نوروزنا کل یومٍ حالا نمی دانم چطور باید خواند و قیل کل ذلک فی یوم المهرجان فقار مهرجونا کل یوم. که در تاریخ بغداد جلد 13 صفحه 327 تهذیب الکمال جلد 29 صفحه 423. انصاب سمعانی جلد 3 صفحه 37 این مطلب وارد شده است. در این فنَیرزوا کل یومٍ هم در تاریخ کبیر بخاری عرض کنم جلد 4 صفحه 201 هم وارد شده است. البته اصل اینکه در روز نوروز به حضرت امیر هدیه ای داده اند و حضرت این هدیه را قبول کرد در جاهای دیگری هم نقل شده است. مثلا در مناقب ابن شهر آشوب جلد 2 صفحه 111 می گوید

ان المجوس أهدوا إلى علي عليه السلام يوم النيروز جامات من فضة فيها سكر، فقسم عليه السلام السكر بين أصحابه و حسبها من جزيتهم

در فائق فی غریب الحدیث این را به این تعبیر اینها احتمالا همه اینها یک داستان باشد با نقل های مختلف. در فائق فی غریب الحدیث مال زمخشری جلد 3 صفحه 203 می گوید

ذكر الزبير بن بكار أنَّ بعضَ المجوس أَهدى له فَالُوذاً. فقال عليّ: ما هذا؟ فقيل له:

اليوم النَّيرُوز. فقال علي: ليكن كل يوم نَيْروزاً و أكل.

خب این هم یک مجموعه روایاتی که وارد شده است. این دسته اخیر روایات حالا اگر بتوانیم آن روایت اولش را از جهت سندی تصحیح کند ابراهیم کرخی به هر حال چیزی هست با عمومات روایات ما سازگار است. اینکه هدیه دادن، تزور و به هم دیگر هدیه دادن به هم دیگر دوست بودن یک نوع صمیمیت بین مؤمنین و امثال اینها شاید اگر از جهت سندی هم اینها نباشد روایت های زیادی که تزاوروا فی الله، تهادوا فی الله و امثال اینها وجود دارد این مضمون و این سنت هایی که در نوروز هست را تأیید می کند. مجموعا آن چیزی که به عنوان یک عید که شرع آن را تأیید یا تکذیب کرده باشد ما نمی توانیم چیزی را نسبت دهیم چون روایت هایش روایت های معتبری از جهت سندی نیستند ولی بعضی از سنت هایی که در این روز ها مطرح هست به خصوص هدیه دادن و امثال اینها آن حالا ممکن است از جهت سندی بعضی از این روایت ها را هم تصحیح کنیم و اگر آن هم نباشد با عموماتی که نفس هدیه به هم دادن را تصحیح می کند و دید و بازدید ها را هم با عموماتی که امر به تزاور می کند امر به اینکه هم دیگر را دید و بازدید کنید و امثال اینها می شود آنها را تصحیح کرد.

سؤآل:

پاسخ: آن ثابت نیست و نکته ای می خواهم این را هم عرض کنم بعضی از چیزها ولو سابقه اش هم یک سابقه ای باشد وقتی از آن سابقه اش جدا شد، خیلی نمی شود ما آن سابقه را بگوییم همیشه ملحوظ است. مثلا فرض کنید بحث 13 به در ولو اصل ایجادش ممکن است یک چیز بدی باشد ولی ادامه اش معلوم نیست که افرادی که چیز داشته باشند به آن اصل و ریشه اش توجه داشته باشند. فرض کنید مثلا کراوات زدن داستان تاریخی دارد که چطور شد کراوات، اصلش هم صلیب است کراوات ولی کسانی که کراوات می زنند هیچ وقت به این چیزها توجه ندارند. بحث کراوات و اینها به جهت آن سوابق و آن ریشه ها، نمی شود خیلی به آن ریشه ها حکم کرد که این صلیب است و امثال اینها. بله بحث تشبّه به کفّار و آنها یک بحث های دیگری است که از یک زاویه دید دیگر باید بحث را دنبال کرد. و الا ریشه های یک عمل که الآن دیگر در اذهان وجود ندارد اصلا در ذهن ها آن ریشه ها وجود ندارد اینها نمی شود خیلی آن را منشأ یک سری چیزها قرار داد. این هم به عنوان خیلی وقت ها معلوم نیست که به عنوان یک سنتی که نمادی از مثلا آتش پرستی و مجوسی گری تلقی شود همچین چیزی ولو یک زمانی ولو می گویند که نوروز باستانی تعبیر باستانی هم می کنند ولی نه به عنوان اینکه چون آن زمانی که مجوس بودیم می خواهند احیا کنند گذشته مجوسی گری را و به عنوان یک سنت مبارزه با دین تلقی شود هیچوقت کسانی که به نوروز نگاه می کنند نگاه مبارزه با دین در آن ندارند و امثال اینها. این است که یک نوع به نظر می رسد که نگاه میانه ای اینکه به هر حال یک سنتی هست در میان مردم وجود دارد و یک سنت های خوبی هم وجود دارد در این روز ها و این سنت های خوب که یکی از مهم ترینش تعطیلات هفته دوم نوروز بود که ما از این سنت سالها هست که پیروی می کنیم و پیدا است که لبخند دوستان نشانه تأیید همگی دوستان است و یک نوع تکبیر نوروزی است این لبخند ها و انشاء الله که همه تان حالا بگذریم انشاء الله همیشه شادکام باشید و خدا

سؤآل:

پاسخ: هیچ کدام اینها از جهت سندی حالا آن روایت خیلی روایت معروفی است. روایت فالوذج و اینها اگر اشتهار این روایت باعث شود که شخص مطمئن به صدور این روایت شود فبها و الا از جهت سندی نمی شود خیلی سندش را معتبر دانست. حالا اگر کسی تکرر این روایت در کتاب های عامه و خاصه و اینها را باعث شود که به آن اطمینان حاصل شود در موردش خب عیب ندارد. دیگر بحث شخصی که آیا شخص نسبت به اینها برایش اطمینان حاصل می شود یا خیر به نظر من کسی مدعی اطمینان به این صدور روایات مجازف نیست. نمی خواهم بگویم که اطمینان داریم. ولی با توجه به تکرر این روایت در منابع عامه و خاصه کسی که مدعی اطمینان به صدور این روایت باشد مجازف نیست. یک قول جزاف و گزافی نیست اگرک سی این مطلب را بگوید. علی أی تقدیر عرض من این است که این روایت طبق عمومات است. خیلی نیاز نیست که ما این روایت را از جهت سندی تصحیح کنیم. البته یک تعبیری مرحوم مجلسی اول دارد می گوید که در روضه المتقین این روایت در واقع ایشان می خواهد بگوید که یک نوع تخطئه عید نوروز است. ایشان می گوید که خاصیت نوروز، آن حلوایی هست که لا فایده فی النوروز الا حلوا، می گوید که حلوایش خوب است ولی خود نوروز را روایت دارد تخطئه می کند. حالا به این نگاه هم نگاه نکنیم گاهی اوقات بعضی رسومات هست این رسومات عناصر مثبتی در آن هست. تأیید این عناصر مثبت هست. به هر حال شیرینی داده می شود و شادمانی هست تأیید این شیرینی دادن و شیرینی خوردن و شیرینی گرفتن و لبخند زدن امثال اینها هست و خب

سؤآل:

پاسخ: حالا آن سنت های منفی اش یک بحث های دیگری هست که آن شیرینی نگرفتن و عیدی نگرفتن و امثال اینها هست که من خیلی در مورد سنت های منفی اش نمی خواهم صحبت کنم.

سؤال:

پاسخ: نه آن حالا آن یک بحث دیگر است. اینها هم با هم دیگر منافات ندارد. یک بحث این است که عملا

نه نه ببینید واقعش این است که بعضی از سنت ها که رسوخ در یک جامعه می کند انقدر این سنت ها ریشه دار می شود که به هر حال زمینه برچیدن اینها نیست. وقتی زمینه بر چیدن اینها نیست، اینکه ما اصرار کنیم که این سنت ها را یک سنت های ضد دین معرفی کنیم در حالی که اصلا اینگونه نیست. این اصرار، اصرار بیجایی است. ما چه انگیزه ای داریم که یک چیزی که هیچ نوع نسبت به دین خنثی است. من نمی خواهم بگویم افرادی که نوروز را احترام می کنند به احترام یک نوع دید دینی تلقی می کنند. عمده افراد نه این را یک چیزی می دانند که چون دین گفته است احترام می کنند و نه چون ضد دین هست. یک چیزهای خنثی ای هست نسبت به دین. خب اینها یک سری سنت های مثبتی هم در آن وجود دارد و طبیعی است که این سنت های مثبت پذیرفته شود. البته یک سری رسوماتی در بعضی از اینها بوده است که در بعضی از روایات ما هم اشاره به آن هست. بحث آب پاشیدن در عید نوروز آن در روایت حزقیل به بحث آب پاشیدن در نوروز و اینها هم اشاره شده است آنها چون خیلی از جهت سندی معتبر نیست نمی شود خیلی روی آن اعتماد کرد. ولی چیزهایی که از جهت عمومات می شود روی آن تکیه کرد مثل هدیه دادن، دید و بازدید کردن، رفت و آمد کردن و یک نوع ایجاد صمیمیت خانوادگی و ارتباط خانوادگی که خب روایات و عمومات روایات ما به آن تأکید می کند اینها سنن پسندیده ای است که نه به جهت این روایات، به جهت عمومات کلی دین اینها مطلوب هست و ببینید بعضی از چیزها هست که اگر در نوروز انجام نشود در وقت دیگر انجام نمی شود. اینجور نیست که ما اگر بگوییم که شما در نوروز دید و بازدید نکنید معلوم است در وقت های دیگر دید و بازدید می کنند. عملا در خیلی از محیط ها کل دید و بازدید ها منحصر در نوروز است. خیلی ها هستند که سالی یک بار فقط هم دیگر را می بینند. حالا یک چیز معروفی بود حالا الآن که اینجور نیست. سابق ها برنج خیلی کم بود یک شوخی ای قمی ها با تهرانی ها می کنند می گویند که قمی ها می گویند که این تهرانی ها این هفته پلو می خورند مییییییره تا هفته دیگر. اما ما قمی ها این عید پلو آن عید پلو این عید پلو آن عید پلو. حالا این دید و بازدید ها ما این عید دید و بازدید می کنیم آن عید دید و بازدیدی می کنیم. حالا این سنت هایی که اصل سنت یک یک سنت پسندیده ای است و دین هم روی این سنت ها تأکید می کند و خب طبیعی است که

سؤال:

پاسخ: ما اینکه بگوییم کدام دسته روایات جعل شده است و کدام دسته جعل نشده است هیچ چیز خاصی نمی شود اظهار نظر کرد. هر دسته از این روایات را می توانیم برایش عامل جعل درست کنیم. آن روایت هایی که در مدح آن هست ممکن است بگوییم که آن کسانی که به اصطلاح آن شعوبی گری، تفکرات شعوبی گری این را جعل کرده است. آن روایتی که در مذمتش هست آن را بگوییم که عرب گرایان آن روایات را چیز کرده اند. اگر روی این دید بخواهیم تصور کنیم احتمال جعل در هر دو دسته روایات وجود دارد. این است که خیلی روی این احتمالات نمی شود تکیه کرد. صرف احتمالات است و امثال اینها. این است که از جهت سندی این روایات معتبر نیست ولی عرض کردم که سنت هایی که در نوروز هست یک سری سنت هایش مثل دید و بازدید و هدیه دادن هم این روایاتی که یک سری از آنها را خواندم که ممکن است بعضی از آنها را از جهت سندی تصحیح بشود کرد و اینها آنها بر آن دالّ هست هم علاوه بر آن اصل مطلب مطلبی هست که یک عموماتی ما داریم که هدیه دادن به خاطر به خصوص آن روایتی که أ لیس هم مصلین، این که هدیه را به عنوان برادر اسلامی قبول می کند. چون مسلمان و یک برادر ایمانی هست. اینها یک سری چیزهای پسندیده ای است که خیلی هم خوب است که ما علاوه بر این عید ها نسبت به عید های مذهبی هم این چیزها را داشته باشیم. این نکته را عرض کنم که ما در روایات در مورد روز جمعه دارد که جمعه عید مسلمین هست و مناسب هست که در جمعه در روایات هست که با یک میوه جدید یک غذای جدید یک انسان جمعه را پاس بدارد کیفرحوا بالجمعه. یک همچین تعبیری در روایات ما هست که از آن استفاده می شود که مناسب است که روزهایی که به عنوان عید تلقی می شود یک برنامه جدیدی تلقی شود که مایه شادمانی بچه های خانه شود و امثال اینها. خب از این روایت هم استفاده می شود که روی اعیاد مذهبی باید تأکید شود و عیدی دادن ها و دید و بازدید کردن و. ها امثال اینها روی آنها هم باید تأکید شود. ما نمی خواهیم نفی کنیم آن خیلی هم دقیقا از چیزهای اسلامی هم استفاده می شود که عید باید وسیله شادمانی شود و امثال اینها و خب عید های اسلامی روی آن تأکید شود. ولی اینها منافات با این ندارد که یک سری سنت هایی که در نوروز هم وجود دارد، این سنت ها نه به عنوان سنت عید. به عنوان اینکه خودش یک کار پسندیده ای است مورد تأکید قرار گیرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد